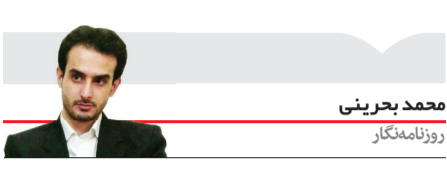


در مجله تصویری علوم انسانی «زاویه» بررسی شد

مصائب آزاداندیشی و نظریه پردازی

خسروپناه: استبدادهای جزیره‌ای در دانشگاه‌ها مانع آزاداندیشی و نظریه‌پردازی است سلیمی: بزرگ‌ترین مانع، ذهنیت حاکم بر اساتید و دانشجویان است



محمد بحرینی

روزنامه‌نگار

مجله تصویری علوم انسانی «زاویه» با موضوع «برسش از سرنویشت هیات حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره» با حضور حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، دبیر و نایب رئیس هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و دکتر حسین سلیمی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی، چهارشنبه ۱۹ دی‌ماه با پرسشگری حبیب رحیم‌پور از شبکه ۴ سیما پخش شد. در ادامه گزارشی از این برنامه را نظر می‌گذارید.

۱۱۱

توفیق این را دارا میزبان دو میهمان ارجمند جناب آقای دکتر عبدالحسین خسروپناه، رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه و دبیر و نایب‌رئیس دبیرخانه هیات حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره و جناب آقای دکتر حسین سلیمی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقدومناظره باشیم. ۱۳ بهمن ۱۳۸۱، شماری از فضایی حوزه علمیه قم از جمله آقایان علیرضا عرافی، حسن رحیم‌پور،صادق لاریجانی،رسول جعفریان،محمد سروش محلاتی، جواد محدثی، محسن قمی، حمید گراستانی، سیدعباس صالحی، عبدالرضا ایندپناه و محمدتقی سبحانی نامه‌ای را به رهبر انقلاب نوشتند و پیششهادی را برای گرم‌تر شدن عرصه‌های اندیشه‌ای و علوم انسانی در ایران مطرح کردند. پیششهادی که در ۳ محور کلی؛ کرسی‌های نظریه‌پردازی، «کرسی‌های پاسخ به سوالات و شبهات»، و «کرسی‌های نقد و مناظره» قابل جمع‌بندی بود. رهبر انقلاب در ۱۶ بهمن ۱۳۸۱ پاسخ مفصلی به آن نامه دادند و اشاره کردند با همه مضمون نامه شما موافقم و از شما و همفکران‌تان در حوزه دانشگاه‌می‌خواهم که ایده‌ها را تا لحظه عملی شدن و ثمر دادن، هر چند درازمدت، تعقیب کنید. این مأموریت به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شد و در نهایت پس از قریب به یک‌سال در ۱۷ بهمن ۱۳۸۲ هیاتی با عنوان «هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره» با ریاست جناب آقای علی اکبر صادقی‌رشاد و به ریاست دبیرخانه جناب آقای عبدالحسین خسروپناه شکل گرفت. در این هیات عملاً پس از حدود یک سال و ۱۶ پرسش‌و‌پاسخ، کتیبه‌های متنوعی از سرنوشت عملکرد این هیات و با این سوال مرکزی گفت‌وگوی امشب با سروسامان دهیم که آیا سامان یابی آزاداندیشی و نظریه‌پردازی از راه سازمان‌سازی می‌گذرد یا خیر؟

بحث را با آقای خسروپناه شروع می‌کنم. یکی از اسامی‌های اساسی این است که اصولاً آیا مگر نظریه‌پردازی و آزاداندیشی نیاز به سازمان دارد؟

خسروپناه: اجازه بدهید یک تکمله‌ای به گزارش جنابعالی و گزارشی که در سرقالاه آمد بود اضافه کنم و بعد به سوال شما پاسخ دهم. ابتدا مسئولیت هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی را فرهنگستان جمهوری اسلامی به عهده گرفت؛ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی این مسئولیت‌ها را به فرهنگستان علوم و به ریاست استاد دکتر رضا دوری‌ارکانی داد.

تا چه سالی؟

خسروپناه: تقریباً از سال ۸۲ شروع شد، ۲ سال در خود فرهنگستان مستقر بود به عنوان [زیرمجموعه] پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (البته باز با ریاست دکتر داور) درآمد. فکر کنم حدود سه یا چهار سال مسئولیت با ایشان بود. بعد جناب آقای رشاد مسئولیت این هیات را عهده‌دار شدند و دبیران مختلفی مسئولیت دبیرخانه را داشتند. حقیر در این چهار سال اخیر مسئولیت دبیرخانه را به عهده داشتم. نکته دیگری که باید اضافه کنم اینکه الان ساختار «آزاداندیشی» با ساختار «نظریه‌پردازی» دو ساختار متفاوت است و در آن نامه‌ای که جمعی از فضلا به مقام معظم رهبری نوشتند؛ این بحث‌ها تفکیک نشده بود. الان آزاداندیشی یک فعالیت دانشجویی تلقی می‌شود و مسئولیتش با معاونت فرهنگی وزارت علوم و معاون فرهنگی دانشگاه‌ها سراسر کشور است اما «کرسی‌های نظریه‌پردازی» نقد و مناظره فعالیت است که مربوط به اساتید دانشگاه است. در واقع مسئولیت آن را هیات حمایت از کرسی‌ها به عهده دارد. طبیعتاً طبق آیین‌نامه این کار با مشارکت و همکاری معاونت پژوهشی وزارت علوم و معاونت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها انجام می‌گیرد. لذا این دو ساختار کاملاً متفاوتند. هر چند پشتیبان هستند و به هم کمک می‌کنند و می‌توانند مددیار هم باشند. اما در باره سوالی که مطرح کردید؛ اول باید این ساختار کرسی‌های نظریه‌پردازی درست تصور شود تا معلوم شود این سوال آیا وارد است یا نیست. هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی یک ساختار پسینی است نه پیشینی. به عبارت دیگر این هیات درصدد آن نیست که نظریه‌پرداز تولید کند و نظریه تولید شود اصلاً این شأن دانشگاه‌هاست. دانشگاه وقتی دانشگاه است که اساتیدش نظریه‌پرداز باشند. الان در دانشگاه‌های کشور اساتید و فرهیختگان متعددی داریم که مقاله و کتاب می‌نویسند. در واقع پژوهش‌هایی انجام می‌دهند که بخشی از این پژوهش‌ها به نظریه‌پردازی می‌انجامد؛ اما تا قبل از تشکیل این ساختار، یک نهاد و سازمانی نبود که نظریه‌ها را ثبت کند یا به تعبیر دیگر برای مدعی نظریه زمینه را فراهم کرده و حمایتش کند که نظریه‌پرداز در جمعی از نخبگان عرضه کند و اگر نخبگان پذیرفتند، به عنوان نظریه یا نوآوری ثبت شود.

این هیات به عنوان یک سازمان فعال پسینی این کار را انجام می‌دهد؛ بنابراین نیست این هیات بیاید نظریه‌پرداز و نظریه تولید کند یا بگوید ما می‌خواهیم به دانشگاه‌ها بدهیم که نظریه‌چطور تولید می‌شود؛ خیر، این کار دانشگاه‌هاست. حالا چقدر دانشگاه‌ها و حوزه‌ها در نظریه‌پردازی موفق هستند آن بحث دیگری است؛ یعنی [این بحث، [یک] بحث پیشینی است. حوزه فعالیت هیات یک فعالیت پسینی است و بعد از اینکه نظریه تولید شد زمینه، بستر و برپایز این کرسی‌ها

جمعی از نخبگان، داوران و ناقدان فراهم می‌شود که ارزیابی می‌کنند و اگر نظریه [تایید شد، ثبت می‌شود. شبیه جشنواره فارابی که هیچ موقع دنبال این نیست کتاب‌تدوین کند. کتاب‌های نوشته و چاپ‌شده را می‌بیند، ارزیابی می‌کند و کتاب برتر را به عنوان کار ارزشمند معرفی و جوایزی را تقدیم محقق می‌کند. اینجا هم به همین شکل است. الان اشکال بحث این است که این ساختار درست است یا خیر؟ یک وقت بحث شما در مورد آزاداندیشی و نظریه‌پردازی است؛ یعنی محتوا و اصل مساله را می‌خواهید بحث کنید، خوب به‌بله درست است؛ اما اگر سراغ هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی می‌روید، دارید از یک ساختار صحبت می‌کنید.

یعنی این هیات از نظر شما طبق مصوبات و رویه‌ها در قبال آزاداندیشی مأموریتی ندارد؟

خسروپناه: خیر، چون آیین‌نامه آزاداندیشی در شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها تصویب می‌شود نه در هیات حمایت از کرسی‌ها. لذا شورای اسلامی شدن دانشگاه و معاونت‌های فرهنگی مجری و ناظر کرسی‌های آزاداندیشی هستند. درست یا غلط، این تفکیک ساختاری صورت گرفته است.

حضر تعالی تعبیری داشتید آن هم اینکه این ساختار برای حمایت شکل گرفته است. این را باز می‌کنید که حمایت یعنی چه؟
خسروپناه: بله. اولین گام حمایت، بسترسازی و ایجاد زمینه برای برگزاری این کرسی‌هاست؛ یعنی اگر قبلاً چنین کرسی‌هایی در دانشگاه برگزار می‌شد که می‌شد، اساتیدی می‌آمدند در جمعی ایده خود را مطرح می‌کردند اما اینکه وظیفه داور و برعهده یک جمع کاملاً تعریف شده‌ای باشد و آنها به نقد نظریه‌پرداز و بعد داور شود (می‌دانید معمولاً کرسی‌های نظریه‌پردازی گاهی اوقات تا هفت، هشت جلسه سه، چهار ساعته برگزار می‌شود تا معلوم شود کیفیت مذاکرات می‌شود و شده و همچنین داوران داور می‌کنند) چنین بستری نبود. البته امیدواریم زمانی فرا برسد که این بستر در خود دانشگاه‌ها شکل بگیرد. اصلاً نیازی نباشد یک هیات حمایت از کرسی‌ها باشد تا بخواهد این بستر را حمایت کند، ولی چون نوده، چنین بستری در شورای عالی انقلاب فرهنگی شکل گرفت، اگر نظریه‌پذیرفته تا بید شد، حمایت‌های حقوقی و مالی صورت می‌گیرد. هدایایی تقدیم می‌شود. گاهی اوقات برای فرصت مطالعاتی امکاناتی فراهم می‌شود. طبیعتاً مسئولان دانشگاه‌ها هستند که به این کار اهمیت می‌دهند و حمایت‌هایی می‌کنند. گاهی اوقات فرصت مناسبی به هیات می‌شود تا با هیات جلسه داشته باشد که نظریه‌ها را بخند و ترسخت تر کند تا بتواند به مرحله کمال خودش برسد. فرصت مطالعاتی می‌دهند تا مثلاً یک سال تدریسش تعطیل شود تا بنشینند و متممخ و متمرکز در این نظریه‌شود. این نوع حمایت‌هایی که هم حمایت‌های علمی و معرفتی و هم مالی و حقوقی است، صورت می‌گیرد و اگر نظریه پذیرفته شد در جشنواره فارابی معرفی می‌شود و بدون ارزیابی جایزه فارابی را به او تقدیم می‌کنند.

آقای دکتر سلیمی، از حضرت تعالی دو سوال دارم؛ یکی اینکه اصولاً تمییز آزاداندیشی از نظریه‌پردازی را چقدر وارد می‌دانید؟ دوم اینکه الان وضع حمایت‌های این هیات را در واقعیت‌های دانشگاه‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سلیمی: اگر اجازه دهید مقدمه کوتاهی ارائه بدهم که در پاسخ به سوال شما کمک می‌کند. در ابتدا که نهاد دانشگاه مدرن به ایران آمد و شروع به شکل گرفتن کرد، بیشتر فونکسیون و کارکردی که داشت، انتقال کرسی سرتیکنیک‌ها بود؛ یعنی در زمان تاسیس نهاد دانشگاه مدرن در ایران بیشتر نگاه این بود که تکنیک‌هایی در غرب وجود دارد که ما آنها را نداریم، بیاییم این نهاد را درست کنیم. حالا با دارالفنون، مدرسه علوم سیاسی و با جاهای مختلف. بعد از طریق اولین دانشگاه عام، یعنی دانشگاه تهران و دانش‌سرای تربیت‌معلم این تکنیک‌ها را وارد کردیم که شاید در زمان خودش کار سوندمندی بود، منتها این بعد از مدتی به حوزه معرفتی تسری داده شد و بنوعی حوزه‌های معرفتی در دانشگاه‌های ما تبدیل به واردکننده محض شدند. یعنی همان طور که ما دانشجوی می‌فرستادیم که تکنیک مهندسی مکانیک را یاد بگیرد و به ایران بفرستد، دانشجوی می‌فرستادیم که مثلاً چگونه اندیشیدن هم یاد بگیرد و به اینجا بیاورد. چگونگی فهم حوزه جامعه یا سیاست را یاد بگیرد و به اینجا بیاید. این فضا در دانشگاه‌ها ما مستمر بوده است. بنابراین از آقای دکتر خسروپناه پرسیدید آیا با نهاد یا سازمانی می‌شود این کار را کرد؟ در یک جایی لازم است. یک استاد تمام روانشناسی تربیتی در جلسه‌ای به من گفت مگر علم روانشناسی تربیتی یا مشاوره چیزی است به‌جز فریود و بونگ و چند نفر دیگر؟! وقتی که این فرهنگ باشد ما نیاز داریم به نهادسازی‌هایی که جهت فرمان‌مارا در دانشگاه‌ها در حوزه‌های معرفتی یک حدودی تعیین کند. به دلیل اینکه ما برای اندیشیدن برای تولید علم نافع، نیازمند به این هستیم که اندیشه‌ای از درون جامعه ما پرشش خلق شود، بستر

اندیشه

کرسی ترویجی برگزار شده و یک نهاد دخالت نکرد. این دخالت نکردن، کار ساختاری است. شما و بینندگان می‌دانید در باب جمعیت، مقام معظم رهبری دیدگاهی دارند و آن را مطرح کردند که باید جمعیت ایران افزایش پیدا کند. تعدادی از اساتید جامعه‌شناسی جمعیت با این نظر مخالفت داشتند. گفتند ما می‌خواهیم کرسی برگزار کنیم. در چندین دانشگاه کشور کرسی برگزار و نظر خود را مطرح کردند. ناقدان نقد و داوران، داور می‌کردند بدون اینکه یک مجموعه‌ای از بیرون دانشگاه بخواهد دخالت کند. این کار بزرگی است یا نیست؟ الان برخی از نظریه‌هایی که ثبت می‌شود، را به سازمان‌ها و نهادها عرضه می‌کنیم. مثلاً تائین اجتماعی یا وزارت خارجه از آن نظریه استفاده می‌کنند. مثلاً یک استاد مدیریت امنیت یا جامعه‌شناسی امنیت، نظریه‌ای دارد، نهاد‌های امنیتی از این نظریه استفاده می‌کنند؛ یعنی نظریه‌ها جنبه کاربردی پیدا می‌کند.

یعنی به‌طور سرشتی لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

سلیمی: لازم و ملزوم هم‌دیگر هستند و اگر وجود نداشته باشد یا حتی احساسش در ذهن اساتید ما وجود داشته باشد که من آزاد نیستم وارد این حوزه‌های تفکر و اندیشگی بشوم، این یک باب انسدادی را در بسیاری از حوزه‌های نظریه‌پردازی ایجاد می‌کند. به همین دلیل هست که نهاد‌های معینی لازم هستند که کمک کنند که حداقل این تفکر، احساس و برداشت پیشینی، در ذهن اساتید ایجاد شود که می‌توانند وارد خیلی از حوزه‌ها شوند. در حوزه‌نظوروزی، به‌نوعی ما خط قرمز نداریم و می‌توانیم وارد شویم؛ حتی در ادله اثبات وجود خدا که آیا با این ادله می‌شود وجود خداوند را اثبات کرد یا خیر؟! در فهم جهان فعلی که آیا این جهان ما جهان سلطه هست یا خیر؟ این ممکن است و اتفاقاً پیوسته است. در حقیقت تمام این پشتیبانی‌ها هم بسیار لازم است، مهم‌تر است. حمایت‌های بروکراتیک که فرمودید در نباید دست کم بگیریم. هنوز برخی اوقات احساس محدودیت وجود دارد، هنوز احساس اینکه ما آزادی لازم را در برخی از زمینه‌ها نداریم، ممکن است و وجود داشته باشد، هنوز رضایت کامل از پشتیبانی‌ها نیست. ولی همین درجه که باز می‌شود ما نظریه‌ها و نظریه‌هایی که واقعا امکان عرضه جهانی دارند، داشته‌ایم. الان یکی، دو نظریه در عرضه زبان شناسی دفاع شده است که در حوزه فرهنگ عامه گونه دیگری از فهم را ارائه می‌کنند و نظریه ناب ایرانی است و امکان عرضه جهانی دارند.

خسروپناه: صرف‌نظر از کسانی که همیشه نگاه منگانه نگارانه دارند و می‌خواهند از اول عیوب را ببینند و امتیازها را ببینند، مسلم است که اگر به لحاظ مفهومی و حتی به لحاظ واقعی زمینه آزاداندیشی فراهم نبود به نظریه‌پردازی نمی‌رسد. به لحاظ اینکه موضوع بحث منتقش شود باید از آن مشخص کنیم که می‌خواهیم هیات را بحث کنیم یا آن ساختاری را که مربوط به کرسی آزاداندیشی است. ولی اگر بحث ساختار نباشد، مسلماً باید زمینه آزاداندیشی فراهم شود تا نوبت نظریه‌پردازی برسد. به همین خاطر تدبیری در فعالیت‌های اخیر این سه، چهار ساله ترتیب دادیم. می‌دانید که تاکنون ۲۴ نظریه و نوآوری ثبت شده است ولی حدود ۲۳ نظریه و نوآوری مربوط به این چهار سال اخیر است و ۲۱ آن مربوط به سال‌های قبل است. در یک

ایده جدید با کمک عزیزی که در هیات حمایت از کرسی‌ها فعالیت دارند و عضو هستند، آمدم کرسی‌های ترویجی را راه‌اندازی کردیم. کرسی ترویج یک جلسه است و لازم نیست خروجی آن به یک نظریه بنجامد ولی اساتید جساتر اندیشیدن و ارائه بحث را پیدا می‌کند. خیلی اوقات اساتدان ما این جساتر را دارند و نویسنده نوشته خود را چاپ کنند، اما حاضر نیستند در معرض نقد دیگران قرار بگیرند؛ دو نفر استاد بنشینند و آن را نقد کنند و او از دیدگاه خود دفاع کند. تا الان که خدمت شما هستم حدود ۲۵۰۰ کرسی ترویجی در دانشگاه‌های مختلف برگزار شده است. اینجا همه ساختارهایی است که زمینه ایجاد گفت‌وگو و فرهنگ را فراهم می‌کند. ما نباید به این ساختارها کم توجه باشیم. ساختار بانک، فعالیت و سبک مالی شما را تعریف می‌کند. اصلاً رفتارهای مردم را با ساختارها جهت می‌دهند. چرا در دنیا سازمان ملل این همه کنوانسیون وسند تولید می‌کند؟ چون با اسناد، کنوانسیون‌ها و ساختارها، رفتار و جهت پیدا می‌شود. لذا نمی‌شود این را دست کم گرفت. یک کار دیگری که در هیات انجام دادیم برای اینکه از شورای عالی به دانشگاه‌ها دستور داده نشود بلکه خود دانشگاه‌ها مستقلاً تصمیم بگیرند، این بود که کمیته‌های دستگاهی شکل گرفته است. مثلاً الان دانشگاه علامه یک کمیته دستگاهی مستقل دارد و در تمام این کرسی‌های ترویجی که برگزار می‌کند به هیچ‌وجه هیات و ستاد هیات نظر نمی‌دهد که این کرسی برگزار شود یا خیر، خودشان تصمیم می‌گیرند. ساختار یک تکنیک است. آنچه اصالت دارد تولید اندیشه است، جساتر اندیشیدن است. اگر جساتر اندیشیدن شکل گرفت، اگر این آماجگی فراهم شد که اساتید دانشگاه‌ها می‌بیندیشند و تولید اندیشه داشته باشند، آن موقع ما موفق هستیم. البته شاید نشود انتظار داشت همه اعضای هیات علمی، مثلاً ۵۵۰ نفری که فرمودند در دانشگاه علامه هستند، همه نظریه‌پرداز شوند ولی از این تعداد یک تعداد قابل توجهی توانستند مقاله بنویسند و از آن تعدادی که مقاله و کتاب نوشتند در همان انتظار معقولی که هست، باید بتوانند نظریه تولید کنند. باید این زمینه‌ها بسترها فراهم شود. ما باید چه کار کنیم تا این انجام شود؟ یکی از کارهایی که انجام می‌دهم سفرهای استانی در جمع اساتید دانشگاه است که حدود سه سال دانشگاه‌های دولتی را رفتیم و الان واحد دانشگاه آزاد اسلامی را می‌رویم. گاهی اساتید دو سه استان جمع می‌شوند و بحث و گفت‌وگو می‌شود. باید ببینیم قبلاً چه موانعی بوده که این هیات این موانع را برداشته است. مثلاً فرض می‌کنیم ما در گذشته و قبل از این حمایت هیات شاهد بودیم که اگر در دانشگاه می‌خواستند یک کرسی برگزار کنند، بسیاری از نهاد‌های بیرونی دخالت می‌کردند. از شورای تأمین استان‌ها گرفته تا دادسزاتانی‌ها یا مجموعه‌های امنیتی دخالت‌هایی می‌کردند و تشخیص‌هایی می‌دادند و طبق وظایف ورود می‌کردند اما الان این اتفاق کاملاً برچیده شده و حاضرین این را اثبات کند.

کجا برچیده شده است؟

خسروپناه: در دانشگاه‌ها.

کل دانشگاه‌ها؟

خسروپناه: بله. شوخی نیست. شما ببینید در چهار سال ۲۵۰۰



دهید این را یک مقدار با‌تر کنیم. بخشی این است که احساس می‌کنند آزادی نیست. بخشی از این افرادی که می‌گویند آزادی نیست و احساس آزادی ندارم جزء کسانی هستند که جساتر اندیشیدن و حرف علمی برای گفتن ندارند؛ بعد وقتی می‌گوییم حرف‌تان را بزنید، می‌گویند ما آزادی نداریم حرف بزنیم، می‌گوییم خوب شما چی دارید که حرف بزنید؟ حرفی ندارید بزنید.

یعنی از نظر شما به عنوان یک حربه استفاده می‌شود؟
خسروپناه: بله. البته بخشی از آنها و نه همه. یک بخشی واقعا آزادی نیست. ولی نبودن آزادی به خاطر نهاد‌های بیرونی و امنیتی نیست، چون جلوی اینها گرفته شده است. بخشی از آن به خاطر این استبداد علمی پارادایم‌هایی است که در گروه‌های آموزشی وجود دارد. مثلاً در یک گروه روانشناسی که گرایش به فریود دارند، اگر یک کسی گرایش گشتالت یا فرض کنید انسان‌گرا داشته باشد اجازه اظهار نظر ندارد. گروهی که در فلسفه، گرایش فلسفه تحلیلی دارند اگر کسی گرایش فارابی داشت به او اجازه نمی‌دهند اظهار نظر کند؛ یعنی ما استبدادهای جزیره‌ای در محیط‌های دانشگاهی داریم و آن مانع از آزادی می‌شود. چرا تا گفته می‌شود نبود آزادی، سریع در ذهن نهاد‌های امنیتی می‌آید؟ من می‌خواهم بگویم یک سری استبدادهای جزیره‌ای در محیط‌های دانشگاهی وجود دارد که ما آنها را نمی‌بینیم، چون پنهان هستند و از فضا خیلی مهم‌ترند. باید جلوی آنها را گرفت و به نظرم این کرسی‌ها می‌تواند جلوی این نوع استبداد‌های جزیره‌ای را بگیرد.

سلیمی: چند نکته را عرض کنم. یکی اینکه اگر دقت کنیم این کرسی‌های نظریه‌پردازی یک مقدار جایگزین «پنتت» در حوزه صنعت نظریه‌پردازی کمک می‌کند ثبت پنتت اینجا صورت بگیرد و این یکی از استبداد‌های جزیره‌ای را بگیرد.
سلیمی: چند نکته را عرض کنم. یکی اینکه اگر دقت کنیم این کرسی‌های نظریه‌پردازی یک مقدار جایگزین «پنتت» در حوزه صنعت نظریه‌پردازی کمک می‌کند ثبت پنتت اینجا صورت بگیرد و این یکی از استبداد‌های جزیره‌ای را بگیرد.

یعنی بیشتر کارکرد حقوق مالکیت معنوی دارد؟

سلیمی: یکی از کارکردها، مالکیت معنوی یک نظریه است، چون یک آشفته‌بازاری خصوصاً با گسترش فضای مجازی استفاده می‌شود که کسی نظریه‌ای را طرح می‌کرد [و بعد دیگران از او سرتقت علمی می‌کردند]. یعنی حتی شاهد این بودیم که یکی از همکارانم، نظریه‌ای را در کتابش طرح کرده بود، کتاب را برای داور می‌برد دیگرسری داده بودند. آن داور که ایسن را خوانده بود، این نظر را در قالب مقاله‌ای به نام خودش چاپ کرده بود. این در حالی است که نظریه‌پرداز می‌کند ثبت پنتت اینجا صورت بگیرد و این یکی از ویژگی‌های مثبت آن است. ضمن اینکه همیشه می‌دانید تغییر جهت اولش کمی عکس‌العمل ایجاد می‌کند. یک مثال کوتاه از تاریخ برنم. در قرن ۱۸ «هومبولت»، مفهوم دانشگاه آموزشی پژوهشی را در دانشگاه برلین مطرح کرد. دانشگاه معنی ندارد فقط آموزش دهد و پژوهش هم باید بیاید و این را نقطه ضعف در تغییر جهت دانشگاه‌های آلمان بعد دانشگاه‌های اروپایی می‌دانند. اولش به شدت در مقابل این موضع گرفته شد، چون اساتدان فقط عادت کردند آموزش بدهند. وقتی پژوهش هم وارد کار اینها شد، عکس‌العمل نشان دادند. درحالی که اساتادی مثل اماتولل کانت به عنوان استاد پژوهشی اول انتخاب می‌شود. وقتی قرار می‌شود نظوروزی، اندیشه‌ورزی و خلق اندیشه در بطن حوزه‌های دانش اجتماعی و انسانی قرار بگیرد، همیشه اولش یک سری عکس‌العمل وجود دارد، نقایص هم فراوان در کار وجود دارد؛ اما به نظرم به خاطر آن نقایص، اصل قضیه می‌تواند آن طور که گفتیم ما به جاده اصلی دانشگاه برگرداند؛ یعنی دانشگاه خالق اندیشه، دانشگاه معرفت محور، آن فرایندی می‌تواند ما را اینجا کمک کند و ما باید وجود مثبتش را بگیریم به خاطر اینکه فوایدش برای دانشگاه ما بسیار بیشتر خواهد بود. اگر دانشگاه ما بر این محور باشد، آن وقت می‌توانیم از اساتدان بخواهیم به جای اینکه دانشجویان و اادار کنند یک جزوه را حفظ کند و آخر ترم روی رفته بریزد، روش اندیشیدن را به او بیاموزیم، چون اگر این اندیشه‌ورزی داده در این زمینه‌ها اگر کرسی برگزار شود به عکس‌العمل دارد. یک پله‌های آکادمیک را سریع بالا برود.

چرا آن لبه‌های مناقشه‌های نظری خیلی وقت‌ها در کرسی‌ها رخ نمی‌دهد؛ یعنی اصلاً که مرزهای مناقشه‌های نظری در کشور شکل می‌گیرد آنها برای نقد با این کالبد‌های رسمی در نمی‌آید؟
سلیمی: در یک جلسه‌ای که قرار بود با صاحبان برخی از این کرسی‌ها تقدیر شود و آقای دکتر خسروپناه هم حضور داشتند، اساتادی پشت تریبون رفت و گفت من خدوم جان‌نارم و معتقد هستم ولی اگر بخواهم بنیاد نظام جمهوری اسلامی را در یک نظریه نقد کنم، می‌گذارید؟ اگر نگذارید یعنی نظریه‌ها شکل نمی‌گیرد. من آنجا عرض کردم اول یک بحث علمی باشد قابلیت طرح می‌تواند داشته باشد اما همه نظریه‌ها روی این خطوط نیستند. حوزه‌های مختلف داریم در اقتصاد، مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی و مشاوره که می‌شود نظریات جدید خلق کرد؛ یعنی ما فقط لبه‌های شمشیر نداریم که بخواهیم روی آن حرکت کنیم که ببینیم پای ما خون می‌آید یا خیر. ضمن اینکه تجربه ما نشان داده در این زمینه‌ها اگر کرسی برگزار شود به عکس‌العمل دارد. یک عده عصبانی می‌شوند ولی باصل برگزار آن را تا حالا مشکلی به وجود نیامده است. ما حتی در مورد «ماهیت وحی» کرسی برگزار کردیم و مناقشه جدی به وجود آمد که دو طرف هم از هم عصبانی شدند ولی هر دو دارند همچنان کار خود را با قوت انجام می‌دهند.

خسروپناه: همیشه نسبت به فعالیت‌های ایجابی جنگ‌های روانی است و نباید گرفتار این جنگ‌های روانی شویم تا از اصل بحث بمانیم. اگر در این مدت حمایت معاونت پژوهشی وزارت علوم بود، کرسی‌های نظریه‌پردازی به نظرم چند برابر رشد و ارتقا پیدا می‌کرد. باید ساختار وزارت علوم در حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی تقویت شود.

خسروپناه: به خاطر نهاد‌های بیرونی

و امنیتی نیست، چون

جلوی اینها گرفته شده است.

بخشی از آن به خاطر این استبداد

علمی پارادایم‌هایی است که در

گروه‌های آموزشی وجود دارد. مثلاً

در یک گروه روانشناسی که گرایش

به فریود دارند، اگر یک کسی

گرایش گشتالت یا فرض کنید

انسان‌گرا داشته باشد اجازه

اظهار نظر ندارد